

فصل سوم: معرفی چهره های منفی کربلا

<?xml encoding="UTF-8?">

در رقم خوردن واقعه خونین کربلا، چهره های شاخصی، نقش کلیدی و سرنوشت سازی را به عهده داشتند. بعضی از آنها شخصیت های به ظاهر مذهبی بودند که حتی مقام و منزلت حضرت را نیز می دانستند، ولی به دلیل غلبه هوای نفس و دنیاخواهی نامشان در شمار قاتلان کربلا ثبت شد. آشنایی با این چهره های منفور، درس عبرتی برای تمام بشریت است.

یزید بن معاویه

یزید بن معاویه، خلیفه جنایت کار اموی است که فاجعه کربلا به دستور او پدید آمد. وی در سال 25 هجری تولد یافت. معاویه، فرزند ابوسفیان، یکی از دشمنان سرسخت پیامبر و پسر هند جگرخوار است. یزید از میمون، دختر بَجْدَل گَلَبی است. یزید، جوانی می گسار، سگ باز و اهل بوزینه بازی و عیاشی بود.

پس از مرگ معاویه، مردم با او به عنوان خلیفه، بیعت کردند؛ زیرا معاویه پیش از مرگش از بسیاری از مردم برای ولی عهدی او بیعت گرفته بود. یزید اندیشه های الحادی داشت و به مبدأ و معاد بی عقیده بود. بی بند و بار و اهل عیش و طرب بود. در زمان او فسق و فجور به والیان هم گسترش یافت و آوازه خوانی در مکه و مدینه آشکار شد و مردم به آشکارا به شراب خواری پرداختند. سیدالشهدا علیه السلام وقتی با اصرار ولید و مروان برای بیعت با یزید روبه رو شد، به فسق او شهادت داد و فرمود: «یزید، مردی فاسق، شراب خوار و آدم کش است که آشکارا گناه می کند و کسی همچون من با کسی مثل او بیعت نخواهد کرد».

یزید همچون پدرش به حیف و میل بیت المال و کشتن انسان های باایمان و ایجاد فساد در دستگاه حکومت پرداخت. وی به والی مدینه نوشت که به زور از سیدالشهدا بیعت بگیرد و اگر نپذیرفت، گردن او را بزند. وی برای سرکوبی هواداران امام حسین علیه السلام که با مسلم بن عقیل در کوفه بیعت کرده بودند «ابن زیاد» را به ولایت کوفه گماشت و دستور کشتن امام را داد.

یزید سه سال حکومت کرد. در سال اول، امام حسین علیه السلام را به شهادت رساند. در سال دوم فرمانده نظامی اش به دستور او به مسجد النبی و قبر پیامبر حمله کرد و مردم را در کنار حرم پیامبر سر برید. لشکریان او در مدینه ده هزار نفر را کشتند و به زنان و دختران مدینه تجاوز کردند. در سال سوم نیز به دستور او، خانه خدا را با منجنیق سنگ باران کردند و ویران ساختند.

عبداللّه بن زیاد

ابوحفص (ابواحمد) عبداللّه بن زیاد بن ابیه در سال 33 ه. ق در عراق متولد شد. پدرش، زیاد، حرام زاده ای بود که از پدری نامعلوم به دنیا آمده بود و شماری از مردان، ادعای پدری او را داشتند. ازاین رو، گاه وی را بدون آوردن نام پدرش به پدر نسبت می دهند و می گویند: زیاد بن ابیه و گاه به مادرش منتسب می کنند و می گویند: زیاد بن سمیه. پدر عبداللّه از دشمنان سرسخت علی بن ابی طالب علیه السلام و شیعیان وی به شمار می رود، به

گونه ای که بسیاری از یاران و تابعین علی علیه السلام به شهادت رسانده است. وی بسیاری از آنان را کور کرد و دست و پای برخی دیگر را برید. بسیاری را به زندان افکند و تا آنجا در پلیدکاری پیش رفت که شیعیان را زنده به گور می کرد. وی نخستین کسی بود که سب علی علیه السلام را در عراق (بصره و کوفه) رواج داد. عبيدالله، بسیار زیرک و سیاست مدار و در عین حال ترسو بود و در بسیاری از موارد با وحشت افکنی و زور شمشیر حکومت می کرد. وی در زمان معاویه، حاکم بصره شد و در زمان یزید، حکومت کوفه نیز به وی سپرده شد. به دستور وی مسلم بن عقیل و هانی بن عروه را به شهادت رساندند. نقش عبيدالله در واقعه عاشورا چنان چشمگیر و اساسی است که حتی شماری از هواداران یزید خواسته اند ابن زیاد را مقصر اصلی بدانند. ابن زیاد ابتدا سپاه حر را فرستاد تا کاروان حسین علیه السلام را از حرکت باز دارد. سپس سپاه عمر سعد و پس از آن لشکرهای دیگری را به فرماندهی سران کوفه همچون شبت بن ربعی، حصین بن نمیر و... به کربلا فرستاد. به دستور وی آب را بر سپاه حسین علیه السلام بستند و عمر سعد و شمر بن ذی الجوشن را مأمور کشتن امام حسین علیه السلام ساخت.

عمر بن سعد بن ابی وقاص

عمر بن سعد، رهبری سپاه کوفه در روز عاشورا به عهده داشت. تاریخ تولد وی به طور دقیق مشخص نیست. پدر عمر، سعد بن ابی وقاص از اصحاب بزرگ پیامبر اسلام بود و نزد صحابی و تابعین جایگاه ویژه ای داشت. سعد در زمان خلافت علی علیه السلام با او بیعت نکرد.

قدرت دوستی، جاه طلبی و خود بزرگ بینی از ویژگی های عمر بن سعد بود.

فرمان حکومت ری که ابن زیاد برای او صادر کرده بود، با شهادت حضرت مسلم و آمدن حسین علیه السلام به سوی کوفه هم زمان شد. به همین دلیل، ابن زیاد به او دستور داد تا ابتدا به جنگ با حسین علیه السلام برود و سپس برای فرمانداری ری به ایران حرکت کند. او ابتدا از این مسئولیت شانه خالی کرد، ولی با اصرار ابن زیاد بر سر دو راهی انتخاب فرمانداری ری و جنگیدن با حسین علیه السلام ماند. شوق حکومت و لذت قدرت، او را واداشت تا به جنگ حسین علیه السلام برود. او در روز عاشورا، عده ای را برای بستن آب به روی سپاه حسین علیه السلام گماشت و دستور کشتن سیدالشهدا علیه السلام را صادر کرد. فجیع ترین کار وی در کربلا، تخریب و سوزاندن خیمه گاه امام حسین علیه السلام و صدور دستور اسب تاختن بر جسد بی جان حسین بن علی علیه السلام بود.

شک در قیامت، جزا و پاداش، برداشت غلط از معارف دینی و پنداشتن اینکه می تواند پس از بازگشت از کربلا توبه کند و جنایات خود را جبران کند، شیفتگی بیش از حد به مقام دنیوی و موقعیت اجتماعی، ترس از دست دادن مال دنیا و جایگاه اجتماعی خود نزد امویان، پستی طبع و نداشتن بصیرت سیاسی، دست به دست هم داد و عمر بن سعد را به عذاب الهی و ننگ ابدی گرفتار ساخت.

شمر بن ذی الجوشن

شمر بن ذی الجوشن از جمله کسانی است که در واقعه عاشورا، جنایت های ننگینی انجام داد. پدرش، ذی الجوشن، صحابی بزرگ پیامبر بود.

زندگی شمر گویای روحیه پرتلاطم همراه با شجاعت، جنگ جویی و فرصت طلبی اوست. زمانی او در صف یاران

امام علی علیه السلام قرار می گیرد و هنگامی که درمی یابد از قَبَل حکومت علی علیه السلام ، چیزی به دست نمی آورد، به خوارج گرایش پیدا می کند و با حفظ جایگاه خود در میان آنان به دربار معاویه راه پیدا می کند و در زمان یزید، نوکری او برای بنی امیه به اوج خود می رسد.

شمر بن ذی الجوشن روز نهم محرم وارد کربلا شد و حوادث هولناکی را در کربلا پدید آورد که کسی در طول تاریخ ندیده است. توهین به امام حسین علیه السلام ، رد فضایل امام حسین علیه السلام ، دستور قتل همسر و هب، حمله به لشکر امام، کشتن نافع بن هلال، حمله به خیمه گاه اهل بیت، صدور فرمان آتش زدن خیمه گاه، محاصره امام حسین علیه السلام ، بریدن سر مبارک حضرت، غارت و چپاول اموال اهل بیت، بردن اهل بیت به شام و... از جمله اقدامات وحشیانه شمر در واقعه کربلا و پس از آن بود.

حرمله بن کاهل اسدی والبی

حرمله بن کاهل اسدی یکی از فاجعه آفرینان کربلا بود که ستم های بسیاری در حق سیدالشهدا و خاندان گرامی اش انجام داد. از تاریخ زندگانی او پیش از فاجعه کربلا هیچ خبری در دست نیست. در روز عاشورا نیز تنها هنگامی که نام قاتلان شهیدان مطرح می گردد، نام وی به میان می آید. از نقل های تاریخی برمی آید که وی بسیار سنگ دل بوده و در قتل کودکان و اهل بیت علیهم السلام همیشه پیش گام بوده است. به شهادت رساندن عبدالله بن حسن علیه السلام و ابوبکر بن حسن علیه السلام و نیز طفل صغیر سیدالشهدا یا از اقدامات ننگین او در واقعه عاشوراست.

حُصَین بن نُمَیر تَمیمی

حصین بن نمیر تمیمی یکی از شرکت کنندگان در جنگ کربلا و از شمار فرماندهان و مسئولان فاجعه کربلا به شمار می آید.

وی از سرسپردگان بنی امیه بود و هیچ گونه گرایشی به اهل بیت علیهم السلام نداشت. او از جمله افراد مورد اعتماد عبیدالله بن زیاد بود و پست حساس حفظ امنیت شهر کوفه و پاسداری از امیر آنجا به وی سپرده شده بود. در واقعه عاشورا نیز فرماندهی چهار هزار سرباز را به عهده داشت. از جمله جنایت های وی کشتن یزید از یاران امام حسین علیه السلام ، مشارکت در کشتن حبیب بن مظاهر، تیر باران لشکر امام حسین علیه السلام و تیر زدن به شخص امام حسین علیه السلام بود.

شَبَث بن ربِعی بن حُصَین بن رَبِیعَه تمیمی

شبت بن ربعی یکی از شرکت کنندگان در فاجعه کربلاست که به دلیل دست یازیدن به این جنایت و پلیدی های دیگر شهرت ویژه ای دارد. شبت از نظر شخصیتی، فردی هزار چهره، منافق و سنگ دل بود که به هیچ یک از اصول اخلاقی پای بند نبود.

وی مدتی اذان گوی پیامبر دروغی، سجاج بود. سپس اسلام آورد. آن گاه در قتل عثمان شرکت کرد. سپس جزو یاران علی علیه السلام شد و بعد از آن جزو خوارج شد و علیه علی علیه السلام جنگید. آن گاه توبه کرد، ولی پس از مدتی در قتل حسین علیه السلام شرکت کرد و سرانجام در قتل مختار مشارکت داشت. وی از جمله کسانی بود که نامه دعوت از حسین علیه السلام را امضا کرده، ولی در کربلا، امیری پیاده نظام لشکر عمر بن سعد را بر

عهده داشت.

فرجام شوم قاتلان کربلا

1. عبیدالله بن زیاد

یاران مختار، سر عبیدالله را از بدن جدا کردند. هنگامی که سرش را نزد مختار آوردند، با دیدن سر، درحالی که سرگرم خوردن غذا بود، خدا را سپاس گفت و برخاست و با کفش هایش روی صورت او ایستاد و آن را لگدمال کرد.

2. عمر بن سعد

وی با ضربات شمشیر و جدا کردن سر از بدن در خانه اش به هلاکت رسید.

3. شمر بن ذی الجوشن

ابوعمره، شمر را دستگیر کرد و نزد مختار آورد. مختار ثقفی، سر او را از بدن جدا کرد و بدنش را درون دیگی پر از روغن جوشان انداخت. یاران مختار سرش را لگدکوب کردند و نزد محمد بن حنفیه فرستادند تا تسکینی بر دل زخم دار وی باشد.

4. حرمله

پس از حادثه عاشورا، امام سجاد علیه السلام، حرمله را نفرین کرد و فرمود: «خدایا سوزش و گرمای آهن و آتش را به او بچشان.» به دستور مختار، دست و پای حرمله را بریدند و سپس در آتش افکندند و مختار از اینکه دعای حضرت به دست او تحقق یافته بود، بسیار خوشحال شد. در نقلی دیگر آمده است که مختار دست و پاهای او را قطع کرد، سپس آهنی را در آتش گذاشتند تا کاملاً سرخ گردید آن میله را در گردن او قرار داد و گوشت گردن او را با آن سوزاند.

5. خولی

هنگامی که سپاهیان مختار به دنبال خولی بودند، خولی در خانه اش پنهان شد و ناچار به درون چاه مستراح خانه اش رفت. مأموران به راهنمایی زن خولی به مستراح رفتند و وی را درحالی که فضولات بر بدنش چسبیده بود و بوی تعفن می داد، دست بسته نزد مختار آوردند. مختار دستور داد وی را در برابر خانه اش کشتند، جسدش را نیز در آتش انداختند و خاکسترش را به باد دادند.

6. سنان بن انس نخعی

او کسی بود که سر امام حسین علیه السلام را از بدن جدا کرد. به دستور مختار، انگشتان دست و پایش را بریدند و درحالی که هنوز جان در بدن داشت، در دیگ روغن جوشان زیتون انداختند.

فرجام غارتگران پیکر امام حسین علیه السلام

نقل است هنگامی که امام حسین علیه السلام به شهادت رسید، سپاهیان یزید برای غارت غنائم به سوی پیکر

حضرت هجوم آوردند.

- پیراهن حضرت را اسحاق بن حُوبه حَضَرَمی برد، ولی همین که پوشید، دچار پیسی شد و موهایش ریخت.
- شلوار امام حسین علیه السلام را بحرین گعب تمیمی برد و وقتی آن را پوشید، زمین گیر شد و پاهایش از کار افتاد.

- عمامه و دستار امام حسین علیه السلام را اَخْنَس بن مُرْثِد بن عَلْقَمه حَضَرَمی یا به قولی جابرین یزید اودی برد، ولی همین که بر سر بست، عقلش زایل گردید و دیوانه شد.
- بَجْدَل بن سلیم کَلْبی برای بردن انگشتر حضرت، انگشت حسین علیه السلام را قطع کرد. وقتی مختار به او دست یافت، دست و پاهایش را برید و رهایش کرد تا با همان حال در خون خود بغلتد و جان دهد.